

روابط ساختاری سبک‌های هویت، هوش معنوی و امنیت روانی در دانشجویاننسرین السادات راستگار هاشمی^{۱*}، سارا جعفرپور ممقانی^۱، تورج هاشمی نصرت‌آباد^۲^۱ کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران^۲ گروه روانشناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران**چکیده**

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش سبک‌های هویت و هوش معنوی در امنیت روانی است. طرح پژوهش از نوع همبستگی می‌باشد. دویست و ده نفر از دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشگاه تبریز در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به پرسشنامه سبک‌های هویت برزونسکی، پرسشنامه امنیت روانی مازلو و پرسشنامه هوش معنوی کینگ پاسخ دادند. تحلیل داده‌ها با روش تحلیل مسیر از نوع مدل پابی روابط ساختاری نشان داد که سبک‌های هویت به واسطه هوش معنوی قادرند در قالب روابط ساختاری، تغییرات امنیت روانی را به‌طور معنی‌دار پیش‌بینی و تبیین نمایند؛ بنابراین امنیت روانی افراد را می‌توان با مداخله به‌موقع در هویت‌یابی و تقویت هوش معنوی آنان بهبود بخشید.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های هویت؛ هوش معنوی؛ امنیت روانی**مقدمه**

امنیت، یکی از نیازهای اولیه و غریزی بشر بوده، چنان که از دیرباز یکی از دغدغه‌های اساسی بشر، تأمین امنیت در حوزه‌های مختلف زندگی بوده است. امنیت درونی یا امنیت روانی، یکی از مهمترین عوامل زندگی سالم هر فرد است (زارع و امین پور، ۱۳۹۰). احساس امنیت دارای ویژگی‌هایی نیز می‌باشد که از جمله مهم‌ترین آنها: فقدان اضطراب، آرامش، فقدان عصبیت، علاقه اجتماعی، مهربانی، علاقه به دیگران، همدلی، گرایش به دین، علم و فلسفه، اعتماد به خود، سازش با محیط، تسلط و برتری، سازگاری و همانندسازی می‌باشد (زارع و امین پور، ۱۳۹۰). امنیت، برای سالم بودن جسمی و روانی ضروری است و احساس عدم امنیت دائم، موجود را به‌سوی بیماری‌های جسمی و روانی سوق خواهد داد (شاملو، ۱۳۷۸).

هوش معنوی مجموعه‌ای از توانایی‌هایی است که افراد برای به‌کار بردن، شکل دادن و در برگرفتن منابع معنوی، ارزش‌ها و کیفیت‌ها به روشی که به عملکرد خوب روزانه و بهزیستی روانی دست یابند، به کار می‌برند که شامل پنج حوزه تفکر وجودی- انتقادی، تولید معنای شخصی، آگاهی متعالی و توسعه حالات هوشیاری می‌باشد (امرام^۱، ۲۰۰۷).

جدیدترین نظریه در حوزه هویت، نظریه سبک‌های هویت برزونسکی است که الگویی شناختی- اجتماعی دارد. مدل پردازش شناختی- اجتماعی هویت به مطالعه راهبردها و فرآیندهایی می‌پردازد که افراد برای ساخت و اصلاح هویت خود به آنها توجه کرده یا از آن اجتناب می‌کنند. سبک‌های هویت، ترجیح نسبی افراد برای به‌کارگیری شیوه‌های خاص حل مسایل هویتی و پردازش اطلاعات مربوط به خود است. سبک‌های هویتی از نظر برزونسکی شامل سبک اطلاعاتی، سبک هنجاری، سبک سردرگم و هویت تعهد می‌باشد (برزونسکی^۲، ۲۰۰۳). پژوهش‌های اندکی در زمینه رابطه سبک‌های هویت و امنیت روانی انجام شده که از میان آنها می‌توان به پژوهش سوننز^۳ و برزونسکی (۲۰۰۵) اشاره کرد که بر روی ۲۴۰ دانشجویان انجام شد و نتایج، وجود رابطه مثبت معناداری را بین امنیت روانی و سبک‌های هویت نشان داد. برخی از پژوهش‌ها نیز وجود رابطه بین امنیت روانی و هوش معنوی را گزارش کرده‌اند که از میان آنها می‌توان به پژوهش هادی پورهاشمی (۱۳۸۹) اشاره کرد که جامعه آماری آن دانشجویان دانشگاه پیام نور شهرستان قائم بودند. نتایج پژوهش مذکور نشان داد که ضریب همبستگی امنیت روانی و هوش معنوی شرکت‌کنندگان از نظر آماری معنادار است. همچنین پژوهش سیف‌پناهی (۱۳۸۸) درباره رابطه امنیت روانی و هوش معنوی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی سنج، همبستگی مثبت معناداری را گزارش کرده است. با وجود این که پژوهش‌های فوق، روابط دو به دوی سبک‌های هویت، هوش معنوی و امنیت روانی را مورد بررسی قرار داده‌اند، اما جای خالی پژوهش‌هایی که روابط همزمان

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: nasrinrastgar92@yahoo.com

1. Amram
2. Berzonsky
3. Soenens

این متغیرها را با یکدیگر مورد بررسی قرار داده و نقش میانجی هوش معنوی را در رابطه بین سبک‌های هویت و امنیت روانی بررسی کنند، احساس می‌شد. هدف پژوهش حاضر، مدل یابی روابط ساختاری سبک‌های هویت و هوش معنوی با امنیت روانی بود و بر اساس آن فرضیه‌های زیر مطرح شد:

- بین سبک هویت اطلاعاتی و امنیت روانی به واسطه هوش معنوی رابطه وجود دارد.
- بین سبک هویت هنجاری و امنیت روانی به واسطه هوش معنوی رابطه وجود دارد.
- بین سبک هویت تعهد و امنیت روانی به واسطه هوش معنوی رابطه وجود دارد.
- بین سبک هویت سردرگم و امنیت روانی به واسطه هوش معنوی رابطه وجود دارد.

روش

شرکت‌کنندگان

جامعه آماری کلیه دانشجویان دانشگاه تبریز سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ بودند که از میان آنها ۲۱۰ نفر (۱۲۹ دختر، ۸۱ پسر) به صورت در دسترس انتخاب شدند. میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۲۲ سال و ۶ ماه بود. این پژوهش از نوع همبستگی بود.

ابزار

پرسشنامه سبک هویت برزونسکی (ISI): این پرسشنامه شامل ۴۰ گویه و ۴ سبک هویتی است و سبک‌های هویتی هنجاری، اطلاعاتی، سردرگم، تعهد، را ارزیابی می‌کند. نحوه نمره‌گذاری این پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرت (از کاملاً مخالف = ۰ تا کاملاً موافق = ۴) می‌باشد. ضریب آلفای کرونباخ برای سبک هنجاری ۰/۶۱، سبک اطلاعاتی ۰/۷۸، سبک سردرگم ۰/۷۸ و سبک تعهد ۰/۸۰ گزارش شده است (برزونسکی، ۲۰۰۵).

پرسشنامه هوش معنوی (SISRI): این پرسشنامه در سال ۲۰۰۸ توسط کینگ^۱ طراحی شد و شامل ۴۲ گویه است و ۴ زیرمقیاس به ترتیب زیر است: تفکر وجودی-انتقادی، تولید معنای شخصی، آگاهی متعالی و توسعه حالت هوشیاری. نمرات بالای فرد در این پرسشنامه نشان دهنده هوش معنوی بالای فرد است. نحوه نمره‌گذاری این پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرت می‌باشد (از کاملاً مخالف = ۰ تا کاملاً موافق = ۴). اعتبار این پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۵ گزارش شده است (کینگ، ۲۰۰۹).

پرسشنامه امنیت روانی مازلو (فرم دانشجویی): این پرسشنامه شامل ۱۸ گویه است که به صورت بله (۱) و خیر (۰) به آن پاسخ داده می‌شود. این پرسشنامه احساس نایمنی را اندازه‌گیری می‌کند. نمره بالا نشانه نایمنی بیشتر و نمره پایین نشانه ایمنی بیشتر است. نتایج به دست آمده از پژوهش زارع و امین‌پور (۱۳۹۰) همبستگی ۰/۹۱ را نشان می‌دهد که حاکی از اعتبار بالای این پرسشنامه است.

شیوه‌ی اجرا

پس از اعلام آمادگی شرکت‌کنندگان، پرسشنامه‌های امنیت روانی، هوش معنوی و سبک‌هایی هویت به آنان ارائه شد و از آنان درخواست شد به سوالات پرسشنامه‌ها در کمال صداقت پاسخ دهند. داده‌ها پس از جمع‌آوری با استفاده از نرم افزار لیزرل مورد تحلیل قرار گرفت.

نتایج

جدول ۱ شاخص‌های توصیفی و ماتریس همبستگی متغیرهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد. مندرجات جدول ۱ نشان می‌دهد که الف) بین امنیت روانی و مولفه‌های هوش معنوی رابطه‌ی مثبت وجود دارد. ب) بین امنیت روانی و هویت هنجاری، اطلاعاتی و تعهد رابطه‌ی مثبت قابل توجهی وجود دارد. ج) بین امنیت روانی و هویت سردرگم رابطه‌ی منفی وجود دارد. د) بین هویت هنجاری، اطلاعاتی و تعهد و مولفه‌های هوش معنوی رابطه‌ی مثبت وجود دارد. ه) بین هویت سردرگم و مولفه‌های هوش معنوی رابطه‌ی منفی وجود دارد.

جدول ۱

شاخص‌های توصیفی و ماتریس همبستگی متغیرها (تعداد ۱۷۰ نفر)

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	میانگین	انحراف استاندارد
امنیت روانی	۱									۴۰/۰۵	۱۰/۴۲
تفکر وجودی-انتقادی	۰/۲۷	۱								۳۰/۶۸	۸/۵۷
تولید معنای شخصی	۰/۴۱	-۰/۲۷	۱							۲۳/۴۳	۶/۳۳
آگاهی متعالی	۰/۴۰	-۰/۳۱	-۰/۲۷	۱						۲۲/۳۶	۸/۴۴
توسعه حالت هوشیاری	۰/۱۶	-۰/۱۹	-۰/۲۵	-۰/۲۸	۱					۲۲/۱۲	۹/۰۵
هویت هنجاری	۰/۳۴	-۰/۲۰	-۰/۱۵	-۰/۰۷	-۰/۰۳	۱				۲۱/۵۱	۴/۵۵
هویت اطلاعاتی	۰/۳۹	-۰/۲۳	-۰/۲۱	-۰/۲۱	-۰/۰۷	-۰/۳۷	۱			۱۵/۱۵	۳/۷۹
هویت سردرگم	-۰/۲۷	-۰/۰۷	-۰/۰۴	-۰/۱۰	-۰/۰۳	-۰/۱۹	-۰/۰۳	۱		۱۱/۹۶	۵/۲۷
هویت تعهد	۰/۳۳	-۰/۰۴	-۰/۰۹	-۰/۰۷	-۰/۰۹	-۰/۰۵	-۰/۱۶	-۰/۱۲	۱	۱۱/۵۳	۳/۷۰

در راستای بررسی برازش مدل نظری با مدل اندازه‌گیری شده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. همچنین در راستای بررسی نقش میانجی هوش معنوی در روابط بین سبک‌های هویت و امنیت روانی از آزمون بوت استرپ (جدول ۲) استفاده شد.

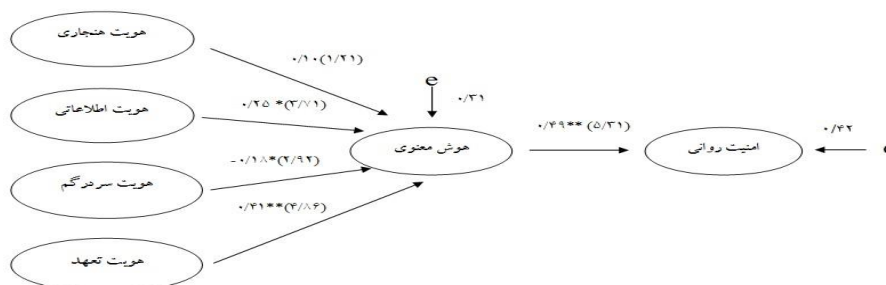
جدول ۲

آزمون بوت استرپ جهت بررسی اثرات غیرمستقیم

متغیر مستقل	متغیر میانجی	متغیر وابسته	بوت حد بالا	استرپ حد پایین	مقدار سوگیری	خطای برآورد	مقدار اثر	سطح معناداری
هویت هنجاری	هوش معنوی	امنیت روانی	۰/۲۱۲۹	-۰/۱۷۱۴	۰/۰۴۲	۰/۴۸	۰/۰۴	۰/۳۱
هویت اطلاعاتی	هوش معنوی	امنیت روانی	۰/۲۴۷۱	۰/۳۴۳۱	۰/۰۰۴	۰/۱۲	-۰/۱۵	۰/۰۲
هویت سردرگم	هوش معنوی	امنیت روانی	۰/۱۸۶۱	-۰/۱۸۰۲	۰/۰۰۶	۰/۰۲۱	۰/۰۹	۰/۰۴
هویت تعهد	هوش معنوی	امنیت روانی	۰/۲۲۶۱	۰/۲۲۵۳	-۰/۰۰۷	۰/۰۱۱	۰/۲۱	<۰/۰۰۱

مندرجات جدول ۲ نشان می‌دهد که: هویت هنجاری به واسطه هوش معنوی، نقش معنادار در تبیین امنیت روانی ندارد. هویت اطلاعاتی قادر است به واسطه هوش معنوی، ۱۵٪ از تغییرات امنیت روانی را به طور مثبت و معنادار تبیین کند. هویت سردرگم قادر است به واسطه هوش معنوی، ۹٪ از تغییرات امنیت روانی را به طور منفی و معنادار تبیین نماید. هویت تعهد قادر است به واسطه هوش معنوی، ۲۱٪ از تغییرات امنیت روانی را به طور مثبت و معنادار تبیین کند.

مبتنی بر مدل مفهومی مورد نظر، سبک‌های هویت به عنوان متغیر برون‌زاد و متغیر امنیت روانی به عنوان متغیر درون‌زاد مرتبه‌ی اول و هوش معنوی و مولفه‌های آن به عنوان متغیر درون‌زاد مرتبه‌ی دوم در نظر گرفته شدند و روابط ساختاری آنها در قالب مدل اندازه‌گیری شده به شرح زیر مورد تحلیل قرار گرفت.



شکل ۱. مدل روابط ساختاری سبک‌های هویت، هوش معنوی و امنیت روانی

جدول ۳

شاخص‌های برازش داده‌های اندازه‌گیری شده با مدل مفهومی

IFI	NFI	CFI	AGFI	GFI	P	X ² /df	df	X ²	RMSEA
۰/۹۵	۰/۹۴	۰/۹۶	۰/۹۵	۰/۹۶	۰/۰۰۱	۳	۱۹۰	۵۷۳	۰/۰۴

مندرجات مدل ساختاری و جدول ۳ نشان می‌دهد که: الف) مدل مفهومی (نظری) با مدل اندازه‌گیری شده برازش مطلوب دارد چرا که مقدار ریشه میانگین مجذور خطای برآورد (RMSEA) در حد مطلوب (کمتر از ۰/۰۵) واقع شده و نسبت X^2/df در حد مطلوب (کمتر از ۵) است و این نسبت در سطح آلفا کوچک‌تر از ۰/۰۵ معنادار است. ب) مقدار شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI) و شاخص برازش اصلاح شده (CFI)، شاخص برازش هنجار شده (NFI) و شاخص برازش افزایشی (IFI) در حد مطلوب (بزرگ‌تر از ۰/۰۹) قرار دارند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که سبک‌های هویت به واسطه هوش معنوی قادرند در قالب روابط ساختاری، تغییرات امنیت روانی را به طور معنی‌داری پیش‌بینی و تبیین نمایند. ج) هویت اطلاعاتی با ضریب تبیین ۰/۲۵ و هویت سردرگم با ضریب تبیین ۰/۱۸- و هویت تعهد با ضریب تبیین ۰/۴۱ قادرند تغییرات هوش معنوی را به طور معنی‌دار تبیین کنند. د) هوش معنوی با ضریب تبیین ۰/۴۹ قادر است تغییرات امنیت روانی را به طور معنی‌داری تبیین نماید.

بحث

پژوهش حاضر با هدف مدلیابی روابط ساختاری سبک‌های هویت، هوش معنوی و امنیت روانی دانشجویان انجام شد. فرضیه اول پژوهش این بود که بین سبک هویت اطلاعاتی و امنیت روانی به واسطه هوش معنوی رابطه وجود دارد. تحلیل داده‌ها نشان داد که هویت اطلاعاتی به واسطه هوش معنوی قادر است تغییرات امنیت روانی را به طور مثبت پیش‌بینی نماید و بنابراین فرضیه اول تأیید می‌شود. در تبیین این یافته می‌توان گفت افراد دارای سبک اطلاعاتی به صورت فعال و آگاهانه به جست و جوی اطلاعات و ارزیابی آنها می‌پردازند و سپس از اطلاعات مناسب استفاده می‌کنند. این افراد در برخورد با موضوعات مربوط به هویت، سنجیده عمل کرده و تلاش ذهنی زیادی نیز نشان می‌دهند، هدفمند به جستجو و ارزیابی مبادرت ورزیده و نسبت به اطلاعات مربوط به خود اعتماد و اطمینان لازم را نشان می‌دهند، نسبت به دیدگاه‌های خود موضعی شکاکانه اتخاذ کرده و مشتاقانه قضاوت خود را به تأخیر انداخته و در مواجهه با بازخورد ناهمساز، ابعاد خودساخته وجود خود را مورد ارزیابی مجدد قرار می‌دهند (برزونسکی، ۲۰۰۳).

از طرفی هوش معنوی از توانایی‌هایی است که به افراد برای به کار بردن، شکل دادن و دربرگرفتن منابع معنوی به ارزش‌ها و کیفیت‌ها به روشی که به عملکرد خوب روزانه و بهزیستی روانی دست یابند، کمک می‌کند (ایمونز، ۲۰۱۲). بنابراین به نظر می‌رسد ترکیب این دو مولفه به نحو مثبتی روی احساس امنیت فرد اثر خواهد گذاشت.

فرضیه دوم پژوهش این بود که بین سبک هویت هنجاری و امنیت روانی به واسطه هوش معنوی رابطه وجود دارد. تحلیل یافته‌ها نشان داد هویت هنجاری به واسطه هوش معنوی، نقش معنادار در تبیین امنیت روانی ندارد و بنابراین فرضیه دوم تأیید نمی‌شود. مطابق نظر برزونسکی (۲۰۰۳) افراد با سبک هویت هنجاری، ارزش‌ها و ملاک‌های دیگران را درونی می‌کنند، احتیاج به سازمان‌دهی بیرونی دارند، تمایل به اطلاعاتی دارند که مطابق با ارزش‌هایشان است، ذهنی بسته دارند، به توصیه‌های منابع قدرت در زمان تصمیم‌گیری توجه می‌کنند و به صورت خودکار و بدون خودارزیابی، ارزش‌ها و باورها را درونی می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت چون این افراد به طور خودکار ارزش‌ها و باورها را درونی می‌کنند، هوش معنوی در تعامل با این سبک ضعیف عمل کرده و این دو متغیر با هم اثر معناداری بر امنیت نخواهند داشت. فرضیه سوم پژوهش این بود که بین سبک هویت تعهد و امنیت روانی به واسطه هوش معنوی رابطه وجود دارد. یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان داد که هویت تعهد قادر است به واسطه هوش معنوی، تغییرات امنیت روانی را به طور مثبت پیش‌بینی کند، بنابراین فرضیه سوم تأیید می‌شود. اریکسون (۱۹۶۳) نتیجه دستیابی افراد به هویت استوار را ایجاد تعهد نسبت به ارزش‌ها و اهداف م‌داند. برزونسکی (۲۰۰۳) نیز تعهد را چارچوب ارجاعی هدفدار در نظر م‌گیرد که رفتارها و بازخوردها در درون آن مورد بازبینی قرار می‌گیرند. این چارچوب به کنترل، ارزیابی و نظم‌دهی رفتار می‌پردازد. تعهد، موجب وضوح ملاک‌ها، اهداف، عقاید و ارزش‌هایی می‌شود که افراد به آنها علاقه دارند و خواستار حفظ آنها هستند و به این ترتیب افراد احساس هدفمندی می‌کنند.

تعهد هدفمند و ملاک‌های آشکار، نقش مؤثری در سازگاری افراد دارند. از سویی زوهر و مارشال (۲۰۰۰) بیان می‌کنند که هوش معنوی به رشد میل و ظرفیت انسان برای معنا، نگرش و ارزش اشاره دارد که تعامل استدلال و احساس و نیز بدن و ذهن را تسهیل می‌کند و انسان را به یکپارچه‌سازی ابعاد میان فردی و بین فردی قادر می‌سازد. بنابراین می‌توان گفت تعامل هوش معنوی و هویت تعهد می‌تواند فرد را در رسیدن به اهداف و ارزش‌های خود یاری نموده و این موفقیت موجب بالا رفتن امنیت روانی فرد خواهد شد.

فرضیه چهارم پژوهش این بود که بین سبک هویت سردرگم و امنیت روانی به واسطه هوش معنوی رابطه وجود دارد. تحلیل یافته‌ها نشان داد هویت سردرگم قادر است به واسطه هوش معنوی تغییرات امنیت روانی را به صورت منفی و معنادار پیش‌بینی کند و بدین ترتیب فرضیه چهارم تأیید می‌شود.

در تبیین این یافته می‌توان گفت افراد دارای سبک هویت سردرگم، اهمال‌کارند و تا حد ممکن سعی دارند موقعیت‌های تعارض برانگیز و مستلزم تصمیم‌گیری را به تأخیر بیندازند، در مواقعی که امکان چنین تأخیر وجود نداشته باشد، در تصمیم‌گیری بیشتر به مقتضیات و پیامدهای محیطی تکیه می‌کنند، در مواقع تصمیم‌گیری حس ترس و اضطراب نیز دارند و در این موقعیت‌ها اغلب از راهبردهای نامناسب مانند اجتناب، بهانه آوردن و دلیل تراشی استفاده می‌کنند، رفتار آنها موقعیتی بوده، الگویی مشخص ندارد. این سبک هویت با هیجان‌مداری، راهبردهای نامطلوب تصمیم‌گیری، خودآگاهی محدود، دیگر پیروی و به کارگیری راهبردهای اسنادی و شناختی ناکارآمد رابطه دارد (برزونسکی و کوک، ۲۰۰۵).

از سوی زوهر و مارشال (۲۰۰۰) بیان می‌کنند هوش معنوی بیانگر آمیختگی خصوصیات و علایق معنوی فرد، صفات شخصیتی، توانایی‌های شناختی ویژه و فرآیندهای عصب‌شناختی است. بنابراین به نظر می‌رسد تعامل سبک هویت سردرگم با هوش معنوی پایین به این سبب که فرد فاقد توانایی‌ها و راهبردهای مطلوب شناختی، حل مسائل و تصمیم‌گیری است، اثر معنادار منفی روی امنیت روانی فرد خواهد داشت. می‌توان نتیجه گرفت که نقش سبک‌های هویت و هوش معنوی در تأمین امنیت روانی بارز بوده و بنابراین لازم است از سنین پایین نسبت به هویت‌یابی درست و ارتقای هوش معنوی افراد تلاش کرد تا افراد از امنیت روانی بالا در بزرگسالی برخوردار باشند.

منابع

- زارع، حسین و امین پور، حسن. (۱۳۹۰). *آزمون‌های روان‌شناختی*. تهران: نشر آبیژ.
- سیف پناهی، مریم (۱۳۸۸). *بررسی ارتباط بین اعتقادات دینی و سلامت روان در دانشجویان سال آخر کارشناسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. (منتشر نشده). دانشگاه آزاد اسلامی سنندج.
- شاملو، سعید (۱۳۷۸). *آسیب‌شناسی روانی*. تهران: انتشارات رشد.
- هادی پورهاشمی، علی (۱۳۸۹). *رابطه هوش معنوی، کمال‌گرایی و امنیت روانی در دانشجویان دانشگاه پیام نور شهرستان قائم شهر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. (منتشر نشده). دانشگاه پیام نور واحد قائم شهر.
- Amram, Y. (2007). The Seven Dimensions of Spiritual Intelligence: An Ecumenical Grounded Theory. Paper Presented at the 115th Annual (August 2007) Conference of the American Psychological Association, San Francisco, CA. Summary available on
- Berzonsky, M. D. & Kuk, L. S. (2005) Identity styles, psychological maturation, and academic performance. *Personality and Individual Differences*, 39, p. 237- 247.
- Berzonsky, M. D. (2003). Identity style and well-being: Does commitment matter? *Identity: An International*
- Emmons, A. (2012). Relationship personality traits, spiritual intelligence and wellbeing in university students. *Journal of Education and Practice*, 3(10), 55–59.
- <http://www.yosiamram.net/papers/>.
- Soenens, B., Berzonsky, M.D. (2005). Identity Styles and Mental Security among University Students. *European Journal of Personality*, 19(5), 420- 431.
- Zohar, D. & Marshal, I. (2000). *SQ: Spiritual intelligence, the ultimate intelligence*. London: Bloomsbury.